

ماجرای پیوستن سبزواری به نهضت امام

۵ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۳۹

حمید سبزواری می‌گوید: من زنده شدم که دیدم یک نفر مرد قد علم کرده در مقابل این جماعت نااهل ایستاده. از آن روز تصمیم گرفتم به کارهایم رنگ کاملاً اسلامی بدهم.

حمید سبزواری این روزها در منزل دوران نقاهت را سپری می‌کند. اما بهمن ماه هست و در آستانه سالگر پیروزی انقلاب اسلامی هستیم. حمید سبزواری شاعر انقلابی کشورمان درباره پیش زمینه‌های آشنایی با امام خمینی (ره) می‌گوید:

جریان آشنایی من با امام خمینی از آنجا شروع شد که من از سال‌ها پیش مطالعات اسلامی داشتم، ولی بیشتر توجه من به این جریان‌های آخرزمان بود که چه خواهد شد. چون یک چیزهایی در کتاب‌هایی مثل «غیبت نعمانی» و «بحارالانوار و سفینه البحار» و خیلی از کتاب‌ها خوانده بودم و مطمئن بودم دوره‌ی ما دوره‌ی ظهور است و منتظر آن مردی بودم که از قم برمی‌خیزد و مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند، منتظر این بودم و بعد این را در تصور خودم امام خمینی مجسم می‌کردم و در این زمینه شعری نیز سرودم:

هنوزم شوق پرواز است گر بال و پری باشد

به سر سودای آزادی است ما را تا سری باشد

آخر این شعر هم گفته بودم:

ستم هموار می‌دارد ره نشر عدالت را

به هر جا رسم نمرود است پوراآذری باشد

من در این تاریکی‌ها متوجه شدم که جز از راه اسلام از راه دیگری نمی‌توانیم به نتیجه برسیم و سبیل حرکت در آن زمان امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - بود. جریان‌هایی که در قم گذشت و بعد منجر به تبعیدشان به خارج از کشور شد، برای ما یک

مخصوصاً متوجه شدم که از خارج اعلامیه‌های این بزرگ مرد به ایران می‌آید و اولین اعلامیه‌اش را من خودم دیدم و خواندم، این امید در من پیدا شد که می‌خواهم عرض کنم که من زنده شدم که دیدم یک نفر مرد قد علم کرده در مقابل این جماعت نااهل ایستاده. از آن روز تصمیم گرفتم به کارهایم رنگ کاملاً اسلامی بدهم.

خاطرات حمید سبزواری در کتاب «حال اهل درد» که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ شده است.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۲۴۴۶/امام-نهیضت-سبزواری-پیوستن-ماجرای>